

بسم الله الرحمن الرحيم

محو درخت سکولاریزم با خلافت راشد!

(ترجمه)

مداخلات استعمار انگلیس در سودان پس از اشغال مصر در سال ۱۸۸۲م آغاز شد. سپس در سال ۱۸۹۶م، انگلیس به رهبری جنرال هربرت هوریشیو کیچنر (Herbert Horatio Kitchener) کارزار نظامی گسترده‌ای را برای سرنگونی دولت مهدیه به راه انداخت. در دوم سپتامبر سال ۱۸۹۸م، نبرد امدرمان رخ داد و پایتخت دولت مهدیه به دست استعمارگر انگلیسی سقوط کرد. پس از آن، انگلیس سودان را بر اساس نظام‌ها و قوانین برخاسته از عقیده جدایی دین از زندگی و دولت اداره نمود و این اندیشه را در ساختار دولت و عرصه زندگی عمومی نهادینه ساخت. همچنین احزاب سیاسی را بر همین مبنا ایجاد کرد و ارتش را نیز به شکل یک ارتش وطنی سازمان داد.

این وضعیت ادامه یافت تا آن‌که دوره‌ای فرا رسید که از آن به «حق تعیین سرنوشت» یاد می‌شود و در سال ۱۹۵۶م استعمار مستقیم انگلیس ظاهراً پایان یافت. اما استعمارگر انگلیسی به جای حضور مستقیم، شیوه استعمار غیرمستقیم را در پیش گرفت و زمام امور را به طبقه‌ای از سیاستمداران و حاکمان بومی سودان سپرد تا همان مسیر گذشته را دنبال کنند. آنان نیز با اجرای نظام جمهوری مبتنی بر جدایی دین از دولت، سودان را به دولتی وظیفه‌محور در خدمت منافع استعمار انگلیس تبدیل کردند؛ دولتی که بیش از آن‌که در پی تأمین منافع مردم سودان باشد، در راستای تحقق اهداف و منافع استعمارگران حرکت می‌کرد.

پس از آن، سودان به میدان رقابت و کشمکش میان انگلیس و آمریکا تبدیل شد؛ رقابتی که در حقیقت چیزی جز جایگزینی یک استعمارگر جدید به جای استعمارگر قدیم نبود. در نتیجه این کشمکش، سودان با کودتای جعفر محمد نمیری در ۲۵ می ۱۹۶۹م وارد حوزه نفوذ آمریکا گردید. نفوذ آمریکا در سودان در دوره حکومت جعفر نمیری و حکومت‌های پس از او ادامه یافت و تا دوران زمامداری عمر حسن البشیر امتداد پیدا کرد؛ حکومتی که سر انجام در پی خیزش و انقلاب مردمی در دسامبر سال ۲۰۱۹م سقوط نمود. با وجود همه این تحولات، سودان تا امروز همچنان بر اساس نظام سکولار اداره می‌شود؛ هرچند در طول این سال‌ها نخبگان گوناگون غیرنظامی و نظامی بر مسند قدرت قرار گرفته‌اند. برخی از آنان شعار دموکراسی را سر داده‌اند و برخی دیگر با شعارهای اسلامی وارد میدان شده‌اند، اما ساختار حاکم همچنان بر همان بنیاد سکولاریستی استوار مانده است.

با این حال، پرسش اساسی این است که چه چیزی سبب شده است تا امروز مسئله سکولاریزم با این همه اصرار و شدت از سوی نیروهای سیاسی و قدرت‌های استعمارگر پشتیبان آنان، یعنی آمریکا و انگلیس، مطرح گردد؟ آیا هدف، از میان برداشتن آخرین سنگرهای اسلام در جامعه به ویژه نظام اجتماعی مرتبط با روابط زن و مرد است؟ یا این‌که مقصود، مقابله با اسلام در عرصه نظام سیاسی و حکومتی آن، یعنی خلافت و نیز جرم‌انگاری دعوت به برپایی آن و سرکوب کسانی است که برای اقامه آن فعالیت می‌کنند؛ به ویژه در شرایطی که دعوت به خلافت در میان امت اسلامی گسترش یافته و با استقبال روز افزون مردم و اهل سودان روبه‌رو شده است؟

سودان ریشه‌های عمیق و استواری در تاریخ پرافتخار اسلام دارد. این پیوند به روزگار فتوحات اسلامی بازمی‌گردد؛ زمانی که در دوران خلافت راشد و در عهد خلیفه سوم مسلمانان، عثمان ابن عفان، در سال ۳۱ هجری قمری، فتح اسلامی سودان آغاز شد. در آن زمان، وی به والی خود در مصر دستور داد تا سپاهی از مسلمانان را به این سرزمین گسیل دارد و بدین منظور، لشکر اسلام به فرماندهی عبدالله بن ابی السرح به سوی سودان حرکت کرد. نمونه‌ای از عدالت اسلام در سودان در دوران خلافت عباسی و در عهد مأمون آشکار شد. در آن زمان، شماری از مسلمانان قطعه زمینی را در سرزمین نوبه خریداری کردند؛ اما رهبر مسیحیان آن منطقه به صحت این معامله اعتراض نمود و گفت: «فروشنده مسیحی از رعایای من است و حق ندارد زمین خود را بدون اجازه من بفروشد، در حالی که من چنین اجازه‌ای نداده‌ام». این دعوا به خلیفه مأمون گزارش شد، اما او شخصاً در آن مداخله نکرد و پرونده را به دستگاه قضا ارجاع داد. قاضی پس از بررسی موضوع

حکم کرد که مالک زمین حق دارد در دارایی خود هرگونه تصرف قانونی انجام دهد و برای فروش زمینش نیازی به اجازه رهبر مسیحیان ندارد؛ زیرا او برده یا ملک شخصی کسی نیست که از حق تصرف در اموال خویش محروم گردد. این داوری عادلانه تأثیر عمیقی بر مردم منطقه بر جای گذاشت و سبب شد شمار زیادی از مسیحیان به اسلام روی آورند؛ زیرا آنان در عمل مشاهده کردند که اسلام در اجرای حق و عدالت میان بزرگ و کوچک تفاوتی قائل نمی‌شود و اجازه نمی‌دهد بر هیچ انسانی ستم روا داشته شود.

سودان در دوران خلافت عثمانی نیز بخشی از قلمرو دولت اسلامی بود. در سال ۱۸۲۱م، سودان همراه با مصر به عنوان یک ولایت تحت حاکمیت دولت عثمانی قرار گرفت و اداره می‌شد. مجموع این واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که سودان در دوره‌های مختلف تاریخ خود، جزئی از پیکره دولت خلافت اسلامی بوده است. اما با ورود استعمار صلیبی، پروژه فروپاشی خلافت آغاز گردید؛ پروژه‌ای که بر پایه تجزیه سرزمین‌های اسلامی، پارمپاره کردن ولایت‌های خلافت و ایجاد دولت‌های ملی و مرزبندی‌شده سکولار استوار بود. استعمارگران از رهگذر این سیاست توانستند اهداف و آرزوهای خود را در ضربه زدن به وحدت دولت اسلامی و دور ساختن اسلام از عرصه حاکمیت و اداره جامعه تحقق بخشند. در نتیجه، امت اسلامی ثمرات تلخ این وضعیت را چشید؛ ثمراتی چون ضعف و عقب‌ماندگی، فقر، فتنه‌ها و درگیری‌های پی‌درپی و جنگ‌های داخلی که بسیاری از آن‌ها در سایه مرزهای مصنوعی و استعمار ساخته شکل گرفتند؛ مرزهایی که به «مرزهای خون» شهرت یافته‌اند.

عن أبي حازم، قال: قاعدتُ أبا هريرةَ خمسَ سنينَ فسمعتُهُ يحدثُ عن النَّبيِّ ﷺ، قال: «كانتُ بنو إسرائيلَ تسوسُهُمُ الأنبياءُ، كلما هلكَ نبيٌّ خلفَهُ نبيٌّ، وإنَّهُ لا نبيَّ بعدي، وستكونُ خلفاءُ فتكثُرُ» قالوا: فما تأمُرنا؟ قال: «فوا ببيعةِ الأوَّلِ فالأوَّلِ، وأعطوهمُ حقَّهُم؛ فإنَّ اللهَ سائِلُهُمُ عما استَرَ عاهمُ».

ترجمه: ابوحازم گفت: پنج سال با ابوهریره همنشین بودم و از او شنیدم که از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت می‌کرد که فرمودند: بنی‌اسرائیل را پیامبران رهبری و اداره می‌کردند؛ هرگاه پیامبری از دنیا می‌رفت، پیامبر دیگری جانشین او می‌شد. اما پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد و به زودی خلفا خواهند بود و شمار آنان زیاد خواهد شد. صحابه پرسیدند: پس ما را به چه فرمان می‌دهید؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: با بیعت نخستین خلیفه وفادار باشید و سپس به خلیفه‌ای که پس از او به‌گونه مشروع بیعت شده است، پایبند بمانید و حقوق آنان را ادا کنید؛ زیرا الله سبحانه و تعالی آنان را درباره مسئولیتی که بر عهدشان نهاده است، مورد بازخواست قرار خواهد داد.

از ابو سعید خدری روایت است که رسول ﷺ فرمودند:

«إِذَا بُويعَ لِخَلِيفَتَيْنِ؛ فَاقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

ترجمه: هرگاه برای دو خلیفه بیعت گرفته شود، دومی آن دو را از میان بردارید.

همچنین عبدالله بن عمر بن عاص روایت می‌کند که از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنید که فرمودند:

«مَنْ بَايَعَ إِمَامًا فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدِهِ وَثَمْرَةَ قَلْبِهِ فَلْيُطِعْهُ»

ترجمه: هر کس با امامی بیعت کند و دست بیعت به او بدهد و از صمیم قلب با او پیمان بندد، باید تا آنجا که توان دارد از او اطاعت نماید.

و از ابو هریره روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيَنْقَى بِهِ»

ترجمه: امام (پیشوا و زمامدار مسلمانان) همچون سپر و حفاظی است که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به وسیله او از خطرها و دشمنان در امان مانده می‌شود.

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ نُحْشِرُونَ﴾ [انفال: ۲۴]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت الله و رسول را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خوانند که به شما زندگی می‌بخشد. و بدانید که الله میان انسان و دل او حایل می‌شود و این‌که همگی به سوی او گردآورده خواهید شد.

از این‌رو، پاسخ عملی به این دعوت الهی، برپایی حاکمیت اسلام و اجرای احکام آن از طریق نظام خلافت دانسته شده است؛ چنان‌که دلایل این امر در قرآن کریم آمده است. قال تعالی:

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ [مائده: ۴۹]

ترجمه: و در میان آنان بر اساس آنچه الله نازل کرده است داوری کن و از خواسته‌های آنان پیروی مکن و از آنان برحذر باش که مبادا تو را از بخشی از احکامی که الله بر تو نازل کرده است، منحرف سازند.

وقال تعالی:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]

ترجمه: اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن بشمار نمی‌آیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم (قضاوت تو) باشند.

وقال تعالی:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰]

ترجمه: (ای پیامبر!) آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که می‌گویند که آنان بدانچه بر تو نازل شده و بدانچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند (ولی با وجود تصدیق کتابهای آسمانی، به هنگام اختلاف) می‌خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند (و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند؟!). حال آن‌که بدیشان فرمان داده شده است که (به الله ایمان داشته و) به طاغوت ایمان نداشته باشند و اهریمن می‌خواهد که ایشان را بسی گمراه (و از راه حق و حقیقت بدر) کند.

این آیات و احادیث، راهنما و چراغ راه صحابه، تابعین و نسل‌های پس از آنان بود. بر بنیاد همین نصوص، مسلمانان در دوره‌های مختلف تاریخی، از عصر امویان و عباسیان گرفته تا دوران عثمانیان، نزدیک به سیزده قرن زندگی سیاسی و اجتماعی خود را سامان دادند. در این نگاه، خلافت نقش سپر و پناهگاه مسلمانان و غیر مسلمانان را ایفا می‌کرد؛ از سرزمین‌ها و مقدسات دفاع می‌نمود، از ریخته شدن خون‌ها جلوگیری می‌کرد، عزت و کرامت مردم را پاس می‌داشت، عدالت را برقرار می‌ساخت و برای رفع فقر و تأمین نیازهای مردم تلاش می‌ورزید. قال تعالی:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان‌گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است). همچنین آئین

(اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً (در زمین) پایرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیّت و آرامش مبتّل می‌سازد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: پس از آن، خلافتی بر منهج نبوت برقرار می‌شود؛ سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت کردند.

ای مردم سودان! پس از آن‌که تاریکی سکولاریزم و سرمایه‌داری سودان را فرا گرفته است، بیاید با وعده الله سبحانه و تعالی و بشارت رسول الله برای تحقق بخشیدن و برپایی خلافت راشدۀ را در این سرزمین به دست خود رقم بزنید؛ سرزمینی که از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های لازم برای تشکیل دولت خلافت برخوردار است و در آن و در میان مردمش خیر فراوان نهفته است. بر ماست که گام‌های خود را برای ریشه‌کن ساختن سکولاریزم از سودان استوارتر سازیم تا این سرزمین به نقطه اتکای دولت خلافت تبدیل گردد؛ آنگاه اسلام را به ملت‌ها و مردمان جهان برسانیم و زمین را با نور اسلام روشن سازیم.

﴿يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (٤) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾. [الروم: ٤-٥]

ترجمه: و آن روز مؤمنان به سبب یاری الله، شادمان می‌شوند؛ آری! خوشحال می‌شوند از یاری الله. الله هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد و او بس چیره بر دشمنان خود (و بسیار مهربان) در حق دوستان خویش است.

نویسنده: عبد الله حسین (أبو محمد الفاتح)

مترجم: پارسا امیدی